

قضاوت در نهج البلاغه

بتول مغفوری فرسنگی*، سید محمد مهدی احمدی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۰۱)

چکیده

در این مقاله سعی شده به برخی از الگوهای رفتاری آن یگانه بشریت باب علم نبی پدر بزرگوار امامان معصوم تنها مدافع پیامبر (ص) نابود کننده خط کفر و شرک اول حافظ و جامع قرآن، قرآن مجسم حضرت علی (ع) پیرامون مسئله قضاوت و داوری آنچنان که از نهج البلاغه برداشت می شود پرداخته شود. مباحث ارزشمند نهج البلاغه که نورانی و نور است مطالبی که از نظر کاربردی مهم و سرنوشت سازند چون نه تنها فقط جنبه نظری ندارند بلکه از سیره و روش الگویی آن حضرت خبر می دهند نیز از رهنمودها و راهنماییهای جاودانه علوی است تا مجالس خود را بنام علی (ع) نورانی کنیم که پیامبر اکرم فرمودند "نورو مجالسکم بذکر علی ابن ابی طالب" و با کشف الگوهای رفتاری علی (ع) حقیقت چگونه بودن برای ما روشن شود و بعد چگونه زندگی کردن تا بدانیم او چگونه بود و ما چگونه باید باشیم.

کلیدواژگان

جرم، قضاوت، نهج البلاغه.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: B.Maghfoori@gmail.com

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

مقدمه

اگر انسان راه کمال را بر اساس فطرت خدا جوی خودش بپیماید و با روح حق گرایش به حقیقت برسد و در راه حق تلاش کند و به حق خود قانع باشد و جهت اجرای عدالت بکوشد عدالت جو و عدالت خو باشد به دیگری احترام گذاشته و برای حقوق فردی و اجتماعی احترام قائل شود و با ارزشهای اخلاقی تربیت گردد به همراه آنها زندگی کند برای انسانیت ارزش قائل شود و اگر روح تجاوز طلبی برتری جویی و امتیاز خواهی را در خود ریشه کن کند اگر غرایض حیوانی مثل خشم، غضب و قدت طلبی را تعدیل کند و به وظیفه خود آشنا باشد خداشناس و خدا ترس باشد خدا را ببیند و از نتیجه زشتی بترسد. روح برتری طلبی، غارتگری، جنگ طلبی و انتقام را از خود دور می‌کند، فرشته خو میشد و دیگر نیازی به قضا و داوری مطرح نبود و نیاز به محکمه نداشتیم ولی حیف از آنجا که انسان در پرتو تعالیم پیامبران آسمانی تربیت نشد و خود سازی نکرد، غرایز حیوانی خود را کنترل نکرد به فکر فریب انسانی دیگر با انواع روشهای شیطانی شد، ستم کرد، به حریم اجتماعی و اقتصادی دیگری تجاوز کرد، همه چیز را برای خود خواست و در این راه به هر کسی جفا کرد و ارزشها را ندید اینجاست که مسئله قضا و داوری بعنوان یک ضرورت اجتماعی مطرح می‌شود.

حضرت علی (ع) در خطبه ۳۲ میفرمایند " ای مردم در روزگاری کینه توز و پر از ناسپاسی و کفران نعمتها صبح کرده ایم که نیکوکار، بدکار به شمار می‌آید و ستم گر بر سرکشی خود می‌افزاید نه از آنچه می‌دانیم بهره می‌گیریم و نه از آنچه نمی‌دانیم می‌پرسیم و نه از هیچ حادثه مهمی تا به ما فرود نیاید، می‌ترسیم.

ضرورت قضا

وقتی در یک جامعه " فریب، حق کشی، بی عدالتی، تجاوز و امتیاز خواهی " وجود دارد یکی از وظایف حکومت اسلامی، ایجاد امنیت اجتماعی است و این امنیت بدون سیستم قضایی ایجاد نخواهد شد چون تشخیص ظلم و ظالم، جرم و بزهکاری، مجرم و اجرای احکام الهی، تنبیه متجاوز، قصاص قاتل، اجرای حد شرعی و باز پس گرفتن حق از دست رفته محروم و مظلوم

بستگی به سیستم قضایی و داوری قاضی مومن و متعهد دارد بنابراین اگر سیستم قضایی مقتدر و کارآمد یا قاضی عالم، متخصص و متعهد موجود نباشد یا بوسیله این سیستم عدالت اجرا نگردد جامعه انسانی سالم نخواهد بود و ضد ارزشها در آن رواج پیدا خواهند کرد. علی (ع) در خطبه ۱۸ نهج البلاغه از قضاوت دروغین نالیده که با ظن و گمان و رای نا صحیح، حکم دروغین صادر می کنند.

ویژگیهای قضایی امام علی (ع)

با توجه به ضرورت و اهمیت قضا، هر دولت به ساماندهی سیستم قضایی پرداخته اند تا بتوانند کارآمدترین سیستم قضا را داشته باشند تا با آن عدالت اجتماعی را تحقق بخشند پس این سیستم از حکومت جدا نیست.

در حکومت پیامبران الهی نیز این سیستم وجود داشته که مسئولیت آن بر عهده پاکترین افراد بوده. در حکومت علی (ع) این سیستم وجود داشته که آن حضرت در انتخاب قضاوت دقت فراوان به خرج داده که هنوز چراغ راه آیندگان محسوب میشود از جمله:

الف) نوآوری، خلاقیت و ابتکار حضرت در قضاوت

حضرت در شناسایی علل جرم و بزهکاری، در اعتراف گرفتن از مجرم همواره الگو بود چنانچه خلیفه اول در مشکلات قضایی همیشه از حضرت الگو می گرفت و خلیفه دوم در موارد قضایی بیشماری از نوآوری حضرت استفاده کرده و اعتراف به این مطلب که اگر شیوه های آن حضرت نبود، خلیفه رسوا می گشت و همین طور خلیفه سوم.

ب) استفاده از رهنمودهای قرآن و پیامبر اکرم

حضرت تنها شخصی بود که با رهنمودهای پیامبر خداکثر استفاده از قرآن را در قضاوت بکار برد، چنانچه برداشتهای وی گاهی اصحاب و خلفا را به شگفتی وا داشته و می پرسیدند حکم این مشکل در کجای قرآن و در کدام آیه آمده؟ که حضرت با دادن پاسخ، باعث شگفتی آنها نسبت

به عظمت علمی و فضایل آن حضرت می شدند.
حضرت بارها می فرمودند که من این شیوه قضاوت را از رسول خدا آموخته ام و می فرمودند:
"به خدا نه من دروغ می گویم و نه آن کسی که به من خبر داده دروغ گفته است."

ج) بکارگیری علوم در قضاوت

میتوان گفت اولین و آخرین دانشمند فرهیخته و آگاهی که از انواع علوم در حل مشکلات قضایی استفاده نمود حضرت علی (ع) بود به گونه ای باعث حیرت معاصران و شگفتی آیندگان گشته است چنانکه دشمن سرسخت امام هم از رهنمودهای ایشان در حل مشکلات قضایی استفاده میکرده است. (طوسی - تهذیب - ۶۶۰ ق-ج ۶ - ص ۳۰۰)

د) قاطعیت در اجرای احکام قضایی

به هنگام تشکیل جلسه قضاوت، جرم و مجرم شناسایی می شد و هیچ تماس، سفارش و موقعیت اجتماعی مانع اجرای حکم نمی گردید.

احکام قضایی را در حدود، دیات و قصاص اجرا می کرد تا جایی که یار وفادار علی (ع) یعنی قنبر در اجرای حد بر مجرم دچار تند روی شده و یک ضربه شلاق اضافه زده بود که امام (ع) او را قصاص نموده و به مجرم دستور داد تا یک ضربه بر بدن قنبر بزند در صورتی که در جهان امروز احکام قضایی فراوانی صادر می شود ولی در مرحله اجرا معطل می ماند. بسیاری از افراد بعد از به قدرت و ثروت رسیدن، روابط را بر ضوابط ترجیح داده و به گروهی امتیاز و گروهی را فدا می کنند ولی حضرت در اجرای قانون تنها الگوی کاملی است که قاطعیتی بی نظیر داشت. روابط و تعلقات را بر اجرای قانون دخالت نمی داد بعنوان نمونه نجاشی شاعر، دوست امام بود که در جنگ صفین نیز حضور فعال داشت و جهت تقویت روحیه سربازان امام اشعار حماسی میخواند. وی روز اول ماه رمضان به دعوت ابی سمال وارد خانه وی شد، کباب خورده و شراب نوشیدند تا اینکه صدایشان به عربده بلند شد، همسایه ها به علی (ع) شکایت برده. ماموران امنیتی خانه را محاصره نموده ولی ابی سمال فرار نمود. در این حین نجاشی دستگیر شد و به دستور امام (ع) هشتاد ضربه حد به اضافه بیست ضربه دیگر بر وی زده شد. نجاشی به امام گفت حد شراب

را می دانستم اما بیست ضربه اضافه را چرا؟ حضرت فرمود زیرا جرات کردی و حرمت ماه رمضان را شکستی.

نتیجه اینکه دوستیها و روابط دوستانه هیچ تاثیری در اجرای حکم الهی نگذاشت و دوستی نجاشی با امام و شرکت او در جنگ تاثیری در این حد نداشت. (هلال ثقفی - الغارات - ۲۸۳ ق - ج ۲ - ص ۵۳۳)

ه) توجه به ارزش و صفات قاضی

همانگونه که حضرت به سیستم قضا اهمیت می داد به تربیت قضات هم توجه می کرد. ویژگی مهم وی، اصل نظارت در قضا بود که توسط نیروهای خود آنها را زیر نظر داشت و یکی از قضات وی که فقط یک روز به این منصب گماشته شده بود را عزل فرموده برای اینکه متصف به صفات قضاوت نبود و همین مسئله نظارت وی را اثبات می کند.

و) استقلال قاضی

علی (ع) هیچگاه اجازه نمی داد پرونده ای که در دست یکی از قضات در حال بررسی بود را به قاضی دیگر بسپارد در حالیکه در زمان بنی امیه این روش رواج پیدا کرد و سیستم قضا دچار انواع آلودگیها گردید. (طوسی - تهذیب - ۴۶۰ ق - ج ۶ - ص ۳۰۰)

ز) روش برخورد با قاضی

حضرت امیر المومنین (ع) زره خود را که در جنگ جمل گم شده بود در دست یک یهودی دید، شکایت به محکمه برد. یهودی گفت: "زره در دست من است شما دلیل بیاورید." در آن مجلس چون شریح قاضی به علی (ع) احترام کرد و با یهودی برخورد مناسبی نداشت آن حضرت ناراحت شد و عدالت رفتاری قاضی را به او تذکر داد.

طبق درخواست قاضی باید افرادی شهادت می دادند که امام مجتبی (ع) و قنبر شهادت دادند. اشتباه دیگر قاضی این بود که وقتی امام حسن و قنبر شهادت دادند که زره مال علی (ع) است شریح خطاب به امام گفت: "اما شهادت حسن (ع) پذیرفته نیست زیرا پسر شماست و باید شاهد

دیگری بیاورید. " این جسارت و ضعف ایمان شریح، قابل عفو نبود زیرا امام حسن که رسول خدا (ص) او را سید و بزرگ جوانان بهشتی نام نهاد و معصوم بود، که شریح نیز این حدیث را شنیده بود بنابراین شهادت آن حضرت نمی بایست زیر سوال برود. در آن محکمه، یهودی با مشاهده اخلاق و عدالت و رفتار انسانی آن حضرت مسلمان شد و زره را به علی (ع) بازگرداند و در شگفت ماند که رهبر یک امت چون افراد معمولی به دادگاه می آید و در کنار مدعی می نشیند که مسلمان هم نیست.

اما شریح را به مدت ۲۰ روز از قضاوت عزل و به روستای خودش فرستاد و پس از آن مدت دوباره به او اجازه داد تا قضاوت را از سر گیرد. (اربلی - كشف الغمه - ۶۹۲ ق - ج ۱ - ص ۱۸۱)

شرایط و صفات قاضی

الف) قضاوت در نوجوانی

امام علی (ع) با اینکه دوران جوانی را میگذراند پیامبر (ص) او را برای قضاوت به یمن اعزام نمود. حضرت علی (ع) فرمود: " یا رسول الله... من را برای قضاوت می فرستی در حالیکه جوان هستم. " رسول خدا فرمود: " نزدیک بیا و این دعا را خواند: خدایا قلب علی را هدایت کن و زبان او را در حق گویی استوار فرما. "

علی (ع) می فرمایند: "بعد از دعای رسول خدا (ص) هرگز در قضاوت میان دو نفر دچار شک و تردید نشدم" (شیخ صدوق - ارشاد - ۴۱۱ ق - ص ۹۳).

ب) لیاقت‌های قضایی

پیامبر (ص) نسبت به ویژگیها و لیاقت‌های قضایی امام علی (ع) فرمود: " بهترین شما در قضاوت علی (ع) است. " (جوینی - فرائد السمطين - ۶۴۴ ق - ج ۱ - ص ۹۷)

ج) والا ترین قاضی

یکی از ابعاد وجودی ارزشمند علی (ع) علم قضا و قضاوت‌های شگفتی آور آن حضرت بود که رسول اسلام به والایی و برتری آن حضرت در قضاوت اشاراتی فرمودند از جمله: بهترین امت من در قضاوت علی ابن ابی طالب است. (قندوزی- ینایع الموده - ۱۳۰۲ ق - ج ۱-ص ۶۵- باب ۱۴)

د) حل مشکلات قضایی جامعه

در این زمینه بارها خلیفه دوم بارها اقرار میکرد و میگفت: " اگر علی نبود عمر هلاک میشد."

ه) قضاوت در مجلس پیامبر (ص)

علامه شیخ محمد الصبان مصری در اسعاف الراغبین مگوید پیامبر خدا با جمعی نشسته بودند که دو نفر وارد شدند، یکی از آنها عرض کرد من الاغی داشتم که گاو این مرد آن را کشت. پیامبر رو به علی کرد و فرمود یا علی میان آنها داوری کن که حضرت از آنها پرسید آیا این حیوانها باز بودند یا بسته؟ که آن مرد گفت: الاغ بسته بود ولی گاو باز، و صاحبش نیز با آن بود، امام علی فرمود صاحب گاو ضامن الاغ است. رسول خدا قضاوت آن حضرت را تایید فرمود. (صبان، محمد بن علی - اسعاف الراغبین در حاشیه نور الابصار - ۱۳۱۰ ق - ص ۷۱)

و) دعای پیامبر برای قضاوت امام علی (ع)

گاهی امام علی (ع) در زمان پیامبر (ص) داوری میکرد و چون خبر به پیامبر میرسید می فرمود: " خدارا شکر که حکمت را در خاندان ما اهل بیت قرار داده است ". (جبل عاملی - قضاوت‌های امیر المومنین (ع) - ص ۶۱)

نوآوریها در قضاوت

الف) چند همسری زنان

جمعی از زنان مدینه از خلیفه دوم پرسیدند: چرا مردان می توانند همسران متعددی داشته باشند ولی زنان از این کار منع شده اند؟ خلیفه در جواب مبهوط گردید و از امام علی (ع) کمک

خواست. حضرت (ع) به زنان فرمان داد تا هرکدام یک جام آب بیاورند چون آوردند فرمود: همه را در یک ظرف بریزید. چون ریختند فرمود: اکنون هر کدام سهم آب خود را بردارید. گفتند این مجال است. حضرت فرمود: به این علت زنها یک شوهر بیشتر نباید داشته باشند وگرنه میراث و نسب باطل و خانواده نابود می شود. خلیفه دوم گفت: ای علی، خدا مرا پس از تو زنده نگه ندارد. (فقیه ایمانی - حق با علی است - ۱۳۷۷ه ش - ص ۱۲۴)

ب) جلوگیری از دو دفعه قصاص

مردی مرد دیگر را کشت. برادر مقتول قاتل را نزد خلیفه دوم برد. خلیفه دستور داد تا قاتل برادر خود را بکشد. برادر مقتول قاتل را بقدری زد که یقین کرد او را کشته است. اولیاء قاتل او را برداشته به خانه برده و به معالجه او پرداختند و پس از مدتی سلامت خود را بدست آورد. برادر مقتول چون قاتل را دید به او گفت باید تو را بکشم. مرد فریاد برآورد تو مرا یکبار کشته ای و حقی بر من نداری. نزاع را به خلیفه دوم بردند و خلیفه دوم دستور داد قاتل را بکشند. نزاع ادامه یافت تا اینکه نزد حضرت علی (ع) رفته و از او داوری خواستند. امام علی (ع) به قاتل فرمود: شتاب مکن و به خلیفه دوم فرمود: حکمی که درباره او کرده ای صحیح نیست. خلیفه پرسید حکمشان چیست؟

حضرت فرمود: ابتدا قاتل شکنجه هایی را که برادر مقتول بر او وارد ساخته بر او قصاص کند آنگاه برادر مقتول می تواند او را بکشد. برادر مقتول با خود فکری کرد که در این صورت جانش در معرض خطر است پس از کشتن او صرف نظر کرد که در این حال خلیفه دوم دست به دعا برداشت و گفت: "سپاس خدای را. یا ابالحسن، شما خاندان رحمت هستید و آنگاه گفت اگر علی نبود عمر هلاک میشد." (کلینی - فروع کافی - ۱۳۸۸ه ش - ج ۷ - ص ۳۶۰)

رهنمود های کیفری

الف) زندانی کردن

یکی از فرمانداران امام (منذر بن جارود) بود پس از آنکه در بیت المال سوء استفاده نمود حضرت

امیر نامه تندی به او نوشت و فرمود: " پس از یاد خدا و درود گمان کردم که همانند پدرت شایسته میباشی و راه او را میروی ناگهان به من خبر دادند که در هوا پرستی چیزی فروگذار نکرده و توشه ای برای آخرت خود باقی نگذاشته ای، دنیای خود را با تباه کردن آخرت آبادان میکنی و برای پیوستن با خویشانت از دین خدا بریدی، اگر آنچه به من گزارش رسیده درست باشد شتر خانه ات و بند کفش تو از تو با ارزش تر است و کسی که مانند تو باشد لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را ندارد و نمی تواند کاری را به انجام رساند یا شریک در امانت باشد یا از خیانت دور ماند پس چون این نامه به دستت رسید به نزد من بیا. آنگاه او را برای مدتی زندانی کرد." (شیخ حر عاملی - وسایل الشیعه - قرن ۱۱ هجری - ج ۲۸ - ص ۳۰)

ب) شلاق زدن

آنگاه که ظلم و ستم خلیفه سوم و بنی امیه فرا گیر شد و کارگزاران خلیفه سوم هرچه میخواستند انجام میدادند، ولید فرماندار کوفه آشکارا شراب میخورد و در حال مستی نماز صبح را ۴ رکعت خواند، که مالک اشتر انگشتر از دست او در آورد و به مدینه رساند و با شهودی که به همراه داشت اثبات کردند که ولید شراب خورده است. ولید با اصرار امام (ع) و یاران او به مدینه آورده شد و در حضور خلیفه سوم جنایات او ثابت شد اما خلیفه سوم به جای مجازات او با مالک و همراهان او درگیر شد و گفت: "اگر هم جرم ولید ثابت شود چه کسی میتواند برادرم را شلاق بزند؟" در اینجا حضرت بلند شد و پیراهن ولید را کشیده و او را بر او افکند و هشتاد تازیانه بر بدن او نواخت. خلیفه سوم خطاب به امام گفت: "تو حق نداری با ولید چنین معامله ای بکنی." حضرت فرمود: "ولید شراب خورده و شایسته کیفری بیش از اینهاست." (علامه مجلسی - حق البقین - ص ۲۶۸)

انواع مجازات

انواع مجازات به شرح زیر است:

الف) شخصی معرکه گیر و قصه پرداز در مسجد کوفه گروهی را گرد آورده بود و فریب میداد

که امام (ع) او را احضار و چند ضربه شلاق بر او زده و از مسجد بیرون کرد. (کلینی - اصول کافی - ج ۷ - ص ۲۶۸)

ب) عبدا... سبا و هفتاد نفر از قوم او که در عقیده منحرف شده بودند و میگفتند: "علی خداست" پس از نصیحتها و توبه دادن چون از انحراف دست برداشتند همه را گردن زد. (شیخ حر عاملی - وسایل الشیعه - قرن ۱۱ هجری - ج ۱۸ - ص ۵۵۳)

ج) قطع دست متولی بازار: حضرت علی (ع) برای کنترل بازار بصره شخصی بنام علی ابن اصمغ را ماموریت داد که بر بازار آن شهر نظارت کند اما پس از چندی دست به خیانت گشود و پس از اثبات حضرت (ع) انگشتان دست او را قطع کرد. (عاملی، سید جعفر مرتضی - السوق فی ظل الدوله الاسلامیه - ص ۵۲)

شیوه های صحیح کیفر دادن

علی (ع) در کیفر دادن مجرمان شیوه های روانی و اخلاقی را طوری بکار میگرفت که مجرم پس از مجازات از ارادتمندان حضرت میگشت زیرا در مجازات شتاب نمی کرد و در چند مرحله اعتراف میکرد و زشتی گناه انجام شده را تذکر میداد و تنها حد شرعی را رعایت میکرد همانند:

الف) شخصی را خدمت علی (ع) آوردند تا حد شرعی را بر او جاری کنند، امام علی (ع) بعد از مشاهده فرمودند که بدن آن فرد جانی زخم است پس از اجرای حد خودداری کردند و فرمودند: "او را ببرید تا زخمهای بدنش بهبود یابد". (ابن اثیر - النهایه - ج ۲ - ص ۱۳۴)

ب) علی (ع) مسلمانی را که مرتکب قتل عمد شده بود قصاص کرد سپس بر جنازه او نماز گذارد و در قبرستان مسلمانان دفن کرد یعنی همه ارزشها را حتی نسبت به یک مجرم حد خورده رعایت میکرد.

شناسایی قاضی جاهل

چنانچه از خطبه ۱۷ نهج البلاغه بر می آید این است که می فرمایند: عده ای در بین مردم با نام قاضی به داوری می نشینند و حل مشکلات دیگری را به عهده می گیرد، پس اگر مشکلی پیش آید

با حرفهای پوچ و توخالی رای و نظر دروغین آماده رفع آن می شود سپس اظهارات پوچ خود را باور می کند عنکبوتی را می ماند که در شبها و با فته های تار خود چسبیده نمی داند که درست حکم کرده یا بر خطاست. اگر بر صواب باشد می ترسد که خطا کرده و اگر بر خطا باشد امید دارد که رای او درست باشد. نادانی است که راه جهالت را می پوید، کوری است که در تاریکی گمشده خود را می جوید، از روی علم و یقین سخن نمی گوید، روایات را بدون آگاهی نقل می کند، چونان تندبادی است که گیاهان خشک را بر باد دهد، روایات را زیر و رو می کند که بی حاصل است. به خدا سوگند که نه راه صدور حکم مشکلات را می داند نه برای منصب قضاوت اهلیت دارد، آنچه را نپذیرد علم به حساب نمی آورد و جز راه و رسم خویش مذهبی را حق نمی داند. اگر حکمی را نداند آن را می پوشاند تا نادانی او آشکار نشود، خون بی گناهان از حکم ظالمانه او در جوشش و فریاد میراث بر باد رفتگان بلند است. حضرت ادامه می دهند که به خدا شکایت می کنم از مردمی که در جهالت زندگی می کنند و با گمراهی می میرند در میان آنها کالای خوارتر از قرآن نیست، اگر آن را آنگونه که باید بخوانند. و متاعی سودآورتر و گرانبها تر از قرآن نیست اگر آن را تحریف کنند و در نزد آنان چیزی زشت تر از معروف و نیکوتر از منکر نیست.

ضرورت وجود سیستم قضایی

در نامه ۵۳ فرموده اند:

پس سپاهیان به فرمان خدا پناهگاه استوار رعیت و زینت و وقار زمامداران شکوه دین و راههای تحقق امنیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گزند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندیهای خود را برطرف سازند. سپس سپاهیان و مردم جز با گروه سوم نمی توانند پایدار باشند و آن قضات و کارگزاران دولت و نویسندگان حکومتند که قراردادهای و معاملات را استوار می کنند و آنچه به سود مسلمانان است فراهم می آورند و در کارهای عمومی خصوصی مورد اعتمادند.

نتیجه

قضاوت با وجود همه حساسیت و مشکلاتی که دارد بر افراد شایسته لازم است. در زمان غیبت به فتوای بسیاری از فقهاء به عنوان واجب کفایی دانسته شده است. قضاوت منصب والایی است زیرا نظام نوع بشر به آن متوقف است و ظلم و ستم از طبیعت بشر و سرنوشت آنان ریشه می‌گیرد پس ناگزیر از حاکم و قاضی که حق مظلوم را از ظالم بگیرد می‌باشیم.

به دلیل ولایت خداوندی است که طبق دلایل روشن عقلی و نقلی به پیامبران معصوم اعطا شده و دلایل زیادی در این زمینه وجود دارد که این حق به مجتهدان عادل جامع شرایط واگذار گردیده، به همین دلیل با همه حساسیت مقام قضاوت و خطرات آن، اگر پیامبر یا امام معصوم کسی را برای قضاوت منصوب کرد، اطاعت او لازم و کسی حق رد را ندارد. از طرفی حکم به غیر حکم خدا نیز کفر است. و مردم موظف شده اند که به قاضی جور مراجعه نکنند.

اصل نیاز به قضاء و داوری در جامعه بشری، یک ضرورت و یک نیاز طبیعی و فطری است و طبعاً برای بشر در مواقع گرفتاریها، مرافعه و خصومت، تقسیم میراث و احقاق حق موارد زیادی پیش می‌آید که نیازمند به گرفتن حق و تبیین حق یا اصلاح و رفع خصومت است، و این نیاز همه جا با غلبه به زور و قدرت امکان پذیر نیست، بهمین جهت بشریت به راههای دیگری توسل جسته که از جمله پادرمیانی افراد جامعه، بزرگان قوم یا اشخاص خاصی که از طرف مردم یا قبیله یا حکومت به عنوان وکیل یا قاضی تحکیم تشکیلات را حل و فصل مینمودند. و به تعبیر دیگر پدیده جرم و جنایت که با زندگی اجتماعی بشر آغاز گردیده و می‌توان آن را یکی از مظاهر زندگی دست جمعی دانست و حتی برخی از صاحب- نظران آن را فطری می‌دانند و به همه جانداران و نباتات سرایت می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که توجه به دفاع و رفع تجاوز و تخاصم نیز با انسان همراه بوده است. بنابراین سیر تاریخی قضا و سیر رو به قضائی همواره با سیر جوامع بشری و تاسیس و تشکیلات اجتماع همراه بوده است. و این مقدار نیاز به بحث هم ندارد، چون همواره آنرا در تمام جوامع بشر حتی ابتدائی تیرن آنها کم و بیش میبایم. بعلاوه هر کجا نظامی حاکم بود، قوانین و مقرراتی هم کم و بیش وجود داشته است که از جمله آنها نظام قضائی هرچند

ساده می باشد. پس کاملترین روش های قضائی را با توجه به تبلور کمال دین در کاملترین انسان پس از رسول خدا(ص) یعنی علی ابن ابیطالب(ع) باید جستجو کنیم، چون شخص پیامبر(ص) درباره علی(ع) فرمود: افضاکم علی، و این جمله را عمر بن خطاب درباره علی(ع) گفته است، علی افضانا، آگاه ترین و داورترین شما علی است یا آگاهترین و داورترین ما علی است.

منابع و مأخذ

۱. بنیاد نهج البلاغه-مجموعه مقالات کنگره نهج البلاغه.
۲. تراشدی-لطف-تصویر زندگی در نهج البلاغه-انتشارات قدس.
۳. جعفری-محمد تقی-ترجمه و تفسیر نهج البلاغه-دفتر نشر.
۴. جوادی آملی-اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی-انتشارات رجا.
۵. رسول زاده-سید اسماعیل-قضاوت‌های حضرت علی (ع)-انتشارات یاسین.
۶. فاضل لنکرانی-محمد-درسهایی از نهج البلاغه-چاپ شکوری.
۷. فقیه ایمانی-مهدی-حق با علی است-بنیاد نهج البلاغه.
۸. فیض الاسلام-ترجمه و شرح نهج البلاغه-مرکز نشر فیض.
۹. قرائتی-محسن-اصول عقاید-انتشارات سازمان تبلیغات.
۱۰. مجلسی-محمد باقر-بحارالانوار.
۱۱. محلاتی-محمد ذبیح-قضاوت‌های حضرت علی (ع)-انتشارات ارشاد.
۱۲. مکارم شیرازی-ناصر-ترجمه و شرح نهج البلاغه-انتشارات هدف.
13. Faghih Imani-Mahdi-Ali is right- Nahjolbalaghe Foudation.
14. Fazel Lankarani-Mohammad-NahjolBalaghe Lessons-print Shakoori.
15. Feyzol islam- Nahjolbalaghe Translation & Interpretation-Feyz Publishing centre.
16. Gharaati-Mohsen-believes principles-sazman tablighat publication.
17. Jafari – Mohamad Taghi- Nahjolbalaghe Translation & Interpretation –publication office.
18. Javadi Amoli-Ethics brokers in Islamic governments-Raja publication.
19. Majlesi-Mohammab Bagher-Behar Al anvar.
20. Makarem Shirazi-Naser- Nahjolbalaghe Translation & Interpretation –Hadaf publication.
21. Mohalati-Mohammad zabih- Imam Ali Judgments-Ershad Publication.
22. Nahjolbalaghe Foudation- Nahjolbalaghe Congress Articles Collection.
23. Rasool zade-Sayyed Esmaeel-Imam Ali Judgments-Yasin Publication.
24. trashedy- Lotf – pictured life on Nahjolbalaghe – Qods publisher.